

## نقش مساجد در هویت شهرهای ایرانی-اسلامی

مسعود صفایی پور<sup>۱\*</sup>، سلمان ایزنژاد<sup>۲</sup>

۱. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
۲. دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

DOI: 10.22034/mpsh.2025.520785.1058

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷

### چکیده

مسجد موضوعی است که مسلمانان از منظرهای گوناگون، در گذر زمان به آن توجه کرده‌اند. هویت شهر اسلامی-ایرانی با هویت مسجد گره خورده است، یا به عبارتی مسجد به‌عنوان عامل بارز هویتی شهر اسلامی-ایرانی ایفای نقش می‌کند. مسجد به‌عنوان عنصر خاص مجتمع‌های مسلمانان، با کالبد شهر و اجزای آن ارتباط خاص خود را طلب می‌کند تا بهترین و مناسب‌ترین عملکرد را داشته باشد و مسجد هویتی جاودانه دارد. هدف اصلی در این پژوهش، بیان میزان اهمیت نقش مسجد در هویت شهرهای ایرانی-اسلامی می‌باشد. تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است و از منظر هدف، از نوع کاربردی است. برای گردآوری اطلاعات از روش مطالعات کتابخانه‌ای در زمینه جمع‌آوری مبانی نظری، اسناد و رویکردها استفاده شده است. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: می‌توان گفت که مساجد از اصلی‌ترین عوامل هویت‌دهنده معنوی و ذهنی و کالبدی همه مجتمع‌های زیستی مسلمانان اعم از شهر و روستا بوده‌اند؛ اما امروزه مساجد ما بر خلاف گذشته، نتوانسته‌اند با معماری زمان و عصر خود در هم بیامیزند و از لحاظ فرمی و عملکرد ظاهری، همسو و همگام با نیازهای معاصر شوند. از دیگر سو، سیمای کلی شهرهای ما نیز تا حد زیادی عاری از مفاهیم اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی شده است و حضور مساجد در شهرها، به‌عنوان مهم‌ترین عنصر ساختار شهر، بسیار کم‌رنگ شده است و نقش آن در سازمان‌دهی فضای شهرهای اسلامی نادیده گرفته شده است

واژگان کلیدی: مسجد، هویت، شهرسازی ایرانی-اسلامی.

salman.izadnejad@gmail.com

\* نویسنده مسئول: سلمان ایزنژاد

### مقدمه

مسجد موضوعی است که مسلمانان از منظرهای گوناگون، در گذر زمان به آن توجه کرده‌اند. معماران بزرگ سعی کرده‌اند، بناهای ماندگاری در تاریخ اسلام از خود به‌جا بگذارند. از حیث تحولات اجتماعی می‌توان گفت هیچ حرکت و تحولی را در سرزمین‌های اسلامی نمی‌توان یافت که مسجد در آن نقش نداشته باشد. وجه تسمیه مسجد این است که سر به سجده نهادن مظهر اوج فروتنی و کرنش آدمی در برابر خداوند است (متوسل، ۱۳۹۹: ۹۵). آیات متعدد قرآن و روایات به انضمام فقه و حقوق به‌روشنی اهمیت و ارزش ویژه مسجد در جامعه را نشان می‌دهند، به گونه‌ای که هیچ کانون و مرکزی نمی‌تواند همتا یا جایگزین آن باشد. آثار و کارکردهای گوناگون مسجد از نگاه قرآن روشن و اثبات پذیر است. اگرچه مسجد در نقش اول خود مکانی برای پرستش معبود یگانه و برپایی نماز جماعت به‌عنوان اولی‌ترین نوع عبادت در نظر گرفته می‌شود ولی این نقش در واقع چون تنه‌ای است که با رویش خود منجر به جوانه زدن شاخه‌های متعددی شده که از هر کدام میوه‌های مختلفی برای جامعه اسلامی به

ارمغان آورده می‌شود. در جامعه مدرن باید برای مسجد کارکردهای جدیدی تعریف کرد. در حالی که نه تنها کارکردهای مسجد در جامعه مدرن، عوض نمی‌شود بلکه بالعکس کارکردها دارای عمل و گستره بیشتری می‌شوند (متوسل، ۱۳۹۹: ۹۶). کارکردهای مختلف آموزشی، فرهنگی، ارتباطی، سیاسی و اجتماعی که مسجد محله را علاوه بر ویژگی‌های کمی، کیفی و اصول معماری و شهرسازی به عنصری قدرتمند و بسیار گویا در تعریف و تجسم خاص فضایی محله و فرهنگ رفتاری ساکنین آن و حفاظت از آنان به‌عنوان مرکز اداری ساختار عبادی، فکری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محله را نشان می‌دهد (متوسل، ۱۳۹۹: ۹۶). جنبه‌ی دیگر کارکرد مسجد توجه به فضای کالبدی شهری و کارکرد معماری آن است. معماری مسجد یک معماری پرمز و راز و در یک نگاه کلی، نماد اندیشه‌ی توحیدی و واسطه‌ی عالم علوی با عالم سفلی است. از دیگر سو، پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله اولین اقدام خود را برای برپا ساختن یک جامعه‌ی نوین و الگو، با فعالیت معماری شروع نمود و این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده‌ی اهمیت و نقش فضاهای کالبدی شهری در یک جامعه‌ی آرمانی باشد. بدین ترتیب، مسجد به‌عنوان نخستین فضای کالبدی شهری در جامعه‌ی اسلامی، جای ویژه‌ی خود را باز کرد (الویری، ۱۳۸۶، ۱۰۱). یکی از بارزترین وجود هویتی جامعه اسلامی مسجد بوده که هم از جنبه هویت ظاهری و هم از جنبه هویت معنوی ایفای نقشی بنیادین را عهده‌دار است. مسجد با ارتباطی خاص با کالبد و اجرای شهر به‌عنوان عامل بارز هویتی و نقطه عطف مرکزی شهرسازی اسلامی-ایرانی مطرح شده و انتخاب عملکرد فضاهای همجوار آن نیز در یک سلسله مراتب منطقی هویتی انجام می‌گیرد. مساجد از اصلی‌ترین عوامل هویت‌دهنده معنوی و ذهنی و کالبدی مجتمع‌های زیستی مسلمانان می‌باشد. این هویت بخشی نه تنها در شکل و سیما، بلکه از نظر ویژگی‌های دیگری چون عملکردی بودن و مرکزیت و مکان استقرار نیز به ظهور و بروز می‌رسد. در سلسله مراتب تقسیمات کالبدی شهر، مسجد به‌عنوان یک مرکز مذهبی مهم و اساسی نقش محوری را بر عهده داشته و مجموعه شهر را تحت پوشش قرار می‌دهد. مسجد ضمن هویت بخشیدن به شهر ایرانی-اسلامی تعریف شهر را کامل می‌سازد. به تبع نماز که هویت مسلمانان و به تعبیری پرچم اسلام است، مکان نماز یعنی مسجد نیز هویت شهر اسلامی است (پرهیزگاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵-۱).

## مبانی نظری تحقیق

### - مسجد

واژه مسجد در لغت به معنای سجده گاه و پیشانی است. بر طبق یک نظر، واژه مسجد معرب واژه مزگت است که از زبان آرامی وارد عربی و فارسی شده است (لغت‌نامه دهخدا). پذیرش این مسئله که وجود مساجد، گنبدها و مناره‌ها در بافت یک شهر نمی‌تواند به معنای اسلامی بودن آن شهر باشد این امر را بدیهی می‌سازد که باید در عناصر و مؤلفه‌های دیگری که نه تنها کالبد بلکه روح و هویت شهرها را می‌سازند به دنبال نشانه‌هایی از زیست مسلمانان و الگوهای یک شهر اسلامی بود. (رضا شاطریان، ۳۸).

### ۱- مسجد در قرآن

در قرآن مسجد به معنای اعم نیایشگاه خداوند به کاررفته است. مسجد الاقصی که معبد یهودیان یا کنیسه بوده است و در زمان نزول قرآن کاربردی غیر از آن نداشته است، دو بار در قرآن از آن به‌عنوان مسجد نام برده شده است همچنین در داستان اصحاب کهف نیز قرآن می‌گوید بر مزار آنان مسجدی بنا کردند. این مسجد بر اساس قول غالب مورخان با توجه به دین مرسوم آن روز کلیسا بوده است. البته ممکن است کنیسه نیز بوده باشد؛ ولی با توجه به قبل‌تر بودن از اسلام نمی‌تواند به معنی مسجد مخصوص مسلمانان بوده باشد. علاوه بر مسجد الحرام (بیت العتیق) و مسجد الاقصی در قرآن به مساجد دیگری نیز اشاره شده است. مسجد دو قبلتین ۱ اسرا-مسجد قبا ۱۰۷ توبه-مقام ابراهیم (مصلی)-مسجد ضرار که دستور تخریب آن داده شد ۱۰۷ توبه.

### ۲- مسجد در اسلام

هدف اصلی از تأسیس مسجد و پایه‌گذاری این فضای دینی عبادت است. این نکته شایان توجه است که در فرهنگ اسلامی، تمامی فعالیت‌های انسان در وضعیت خاص می‌تواند رنگ عبادی به خود بگیرد و انسان تربیت یافته در مکتب اسلامی،

می تواند به درجاتی برسد که همه‌ی زندگی او الهی و عبادی شود. (خالدیان، ۱۳۹۲: ۳). بدین ترتیب، مسجد صرفاً محلی برای ارتباط با خدا نیست، بلکه ارتباط با جامعه و امت نیز در دستور کار قرار می گیرد و یکی از موفقیت‌های شگفت‌انگیز پیامبر را باید در همین ارتباط مسجد و مردم یا به تعبیری، پیوند دین و دنیا از طریق مسجد جست‌وجو کرد. (خالدیان، ۱۳۹۲: ۳). در کنار جنبه‌ی فوق، مسجدها نخستین جایگاه دانش در اوایل عصر اسلامی شدند. در آنجا مسلمانان اصول دین و مقدمات اسلام را می آموختند. پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله نخستین مسجد خود را در مدینه بنا نهاد تا جایی برای نماز، کانونی برای حکومت و همچنین جایگاهی برای آموختن اصول و ریشه‌های دین اسلام باشد. هرچند در مساجد تنها به وعظ و راهنمایی و تفسیر قرآن و آموختن خواندن و نوشتن به بی‌سوادان و مانند آن پرداخته نشد، بلکه دانش‌های فراوان نوظهوری که در اسلام، پس از کشورگشایی‌های بزرگ به دست آمد، راهی مسجد شد و در کنار علوم دینی مورد توجه قرار گرفت. آن‌چنان شد که مسجد رسالت آموزشی و فرهنگی خود را به بهترین وجهی انجام داد و دانشجویان و دانش‌پژوهان فراوانی از سراسر دنیا به مساجد روی آوردند و دانشمندان و پژوهشگرانی بلندپایه‌ای از آن طلوع یافتند و این مساجد بودند که نخستین جرقه‌های پایه‌گذاری مدارس در جهان اسلام را زدند (خالدیان، ۱۳۹۲: ۴). در هر مسجدی کتابخانه‌ای بزرگ وجود داشت و کتاب‌های فراوانی، در حوزه‌های مختلف در آن قرار داشت که معمولاً وقف مسجد بودند. بدین سان از روزگار پیامبر صلی‌الله علیه و آله تا قرون بعدی، مسجد دگرگونی‌هایی در حوزه‌ی معماری به خود دید و گسترش فراوان یافت و رسالت خود را در انتشار اعتقاد اسلامی و دمیدن روح جهاد برای آماده نمودن رزمندگان و آماده ساختن آنان برای دفاع از میهن اسلامی انجام داد. در پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی خودمان و نیز در زمان دفاع مقدس نیز به‌خوبی این نقش کلیدی مسجد را می‌توان دید (جوان آراسته، ۱۳۸۶، ۱۳۸ تا ۱۴۰). البته شاید همه‌ی کارکردهای مساجد در صدر اسلام، در دنیای امروز تحقق نیابد؛ اما باید فرهنگ حاکم بر مساجد به ساختارهای اجتماعی و سیاسی منتقل شود تا از رهگذر آن، جهت‌گیری همه‌ی فعالیت‌های جامعه، جهت‌گیری الهی و دینی باشد. (خالدیان، ۱۳۹۲).

### ۳- کارکردهای مسجد

مساجد به‌عنوان مهم‌ترین بناها در هر شهر و روستا همواره نقش‌های متعددی در زندگی قشرها مردم داشته‌اند. این بناها چون بزرگ‌ترین ساختمان‌ها بوده‌اند در آغاز نیازی به داشتن نشانی ویژه‌ای نداشته نگاه هر گذرنده‌ای را به سوی خود جلب می‌کردند اما پس از گسترش شهرها نخست با افزایش درگاه‌ها و نهادن توق بر بلندترین جای آن و سپس با ساختن میل برج مناره در کنار و نزدیک آن ساکنان شهر را به عبادتگاه راهنمایی می‌کرده‌اند. رفته‌رفته مسجد به‌عنوان چشم‌اندازی جغرافیایی و جلوه‌گاه هنر و ذوق ایرانی شهر را کاملاً تحت تأثیر خود قرارداد اما سیمای خاصی که مسجد در شهر به وجود می‌آورد و اثری که بر گسترش شهر می‌گذاشت. تنها به فضاهای فیزیکی و آرایش‌های هنری و ذوقی آن ختم نمی‌شد بلکه مسجد از گذشته کارکردهای گوناگونی داشته و اکنون هم این نقش‌ها را تا حدودی حفظ کرده است. این نقش‌ها عبارتند از:

- مرکز ارشاد و تبلیغ اسلامی و کانون رعایت قواعد و قوانین خاص.

- اعتقاد به عبادت نمازگزاران و نیایش به خدا از عوامل و انگیزه‌های بنیاد و ایجاد مساجد است (شاطریان، ۱۳۹۰، ۳۵).

- جمع‌آوری نذورات و کمک‌های خیرین بخش آن بین نیازمندان.

تنها مسجد مسلمانان در شهر تفلیس آموزش رشته‌های مختلف (قرآن، نهج‌البلاغه، آمادگی دفاعی و...).

### ۴- فعالیت‌های درونی مسجد

الف) برپایی جریانات جمعی: شاید بتوان برپایی نماز جماعت را اصلی‌ترین، رسمی‌ترین یا ثابت‌ترین فعالیت جمعی جاری در همه مساجد داشت. آیینی عبادی که برپایی آن توصیه شده و زمینه‌ساز نوع خاصی از وحدت واقعی اجتماعی بر پایه اشتراکات اعتقادی و فکری و نه منافع مادی نمازگزاران می‌باشد. (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۵۴).

ب) انجام عبادات فردی: مساجد در صورتی که بتوانند همواره به روی مومنین گشوده باشند در همه حالات و زمان‌ها مکانی برای عبادات فردی اعم از واجبات یا مستحبات هستند. عبادات فردی شامل طیف وسیعی از فعالیت‌ها هستند که از آن جمله‌اند:

برپایی نماز، قرائت قرآن کریم، قرائت ادعیه، تفکر، برپایی مجالس مذاکره و مباحثه علمی، آموزش علوم دینی و مانند این‌ها. (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۵۴).

ج) آموزش: اگرچه در بازه آموزش و فضاهای آموزشی در شهرهای مسلمانان مباحث گسترده‌ای قابل طرح هستند. مسجد علاوه بر اهمیت فوق‌العاده‌اش برای عبادت خداوند سبحان، عموماً مکانی برای آموزش و تعلیم علوم الهی نیز بوده است و مشهورترین کلاس‌های درس یا به صورت مدارس در کنار مساجد یا در داخل آن‌ها برپا می‌شده‌اند. حتی جایگاهی برای خورد و خوراک و اقامت جویندگان علم هم در مساجد در نظر گرفته می‌شد (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۵۵).

د) برپایی مطلوب آیین‌ها و مراسم: با عنایت به ماهیت جمعی و مذهبی مساجد و با توجه به رهایشان از قید مالکیت‌های فردی و جمعی، می‌توان آن‌ها را بهترین مکان برای برپایی آیین‌ها و مراسم دینی و آن دسته از مراسم و اجتماعات ملی و فرهنگی دانست که با تقدس و حرمت مسجد در تعارض نیستند که البته منظور این نیست که این آیین‌ها و مراسم‌ها اصالتاً و ذاتاً با ارزش‌های دینی در تعارض هستند بلکه مقصود عدم تناسب آن‌ها با آرامش و حس حضور است که ضروری مسجد می‌باشد. (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۵۶).

و) فعالیت‌های جمعی و عمومی اهل محله: علاوه بر عبادات جمعی با برپایی آیین‌ها و مراسم عمومی که به طور عام رایج و در مساجد قابل اجرا هستند. برخی مراسم یا اجتماعاتی نیز هستند که یا خاص گروه اجتماعی مشخص‌اند. یا توسط افراد تعریف شده برپا می‌شوند و باینکه ساکنین محدوده‌های مخصوص از شهر در آن شرکت می‌کنند به عبارت دیگر مساجد می‌توانند مکان برپایی این اجتماعات نیز باشند. این اجتماعات می‌توانند از سوی صنوف مختلف با سازمان‌ها و تشکیلات مردم‌نهاد برپا شوند (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۵۷).

ر) اجتماعات موضوعی: منظور از اجتماعات موضوعی گردهمایی آیین‌هایی است که بنا به مقاصد مختلف می‌توانند تشکیل شوند مثل طرح موضوعی علمی در همایش‌های مختلف، پرداختن به مباحث سیاسی به‌ویژه که با جامعه مرتبط باشند. تبادل نظر درباره موضوعات اقتصادی و سایر مباحث علوم انسانی که مشارکت آحاد جامعه می‌تواند بر تأثیرگذاری‌شان بیفزاید. (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۵۸).

#### - هویت

- هویت در فرهنگ معین

هویت یعنی آنچه موجب شناسایی شخص باشد.

- هویت در فرهنگ عمید

- هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد.

- هویت در لغت‌نامه دهخدا

هویت را عبارت از تشخیص دانسته و می‌گویند: همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است.

- دیدگاه اریکسون

اریکسون روان‌شناس معروف قرن حاضر که نام او با هویت پیوندی عمیق دارد می‌نویسد:

هویتی که نوجوان در صدد است تا به‌طور روشن با آن مواجه شود این است که «او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا کند

چیست؟ آیا او یک کودک است یا بزرگسال؟ آیا او توانایی آن را دارد که روزی به‌عنوان یک همسر یا پدر یا مادر باشد؟ آیا

او علی‌رغم نژاد، مذهب یا زمینه‌های ملی که او را از نظر مردم کم‌ارزش جلوه می‌دهد، احساس اعتماد به نفس

دارد؟ (شرفی، ۱۳۸۰، ۲۵)

- دیدگاه سی‌فرت

سی‌فرت صاحب‌نظر دیگری است که همچون اریکسون هویت را در تقابل با «فقدان نقش» تبیین می‌کند.

- دیدگاه کراجر

و کراجر از صاحب نظران این رشته در تعریف هویت می نویسد: «هویت یعنی توازن میان خود و دیگران برقرار کردن» و آن را یک مرحله در چرخه زندگی می داند. (شرفی، ۱۳۸۰، ۲۵)

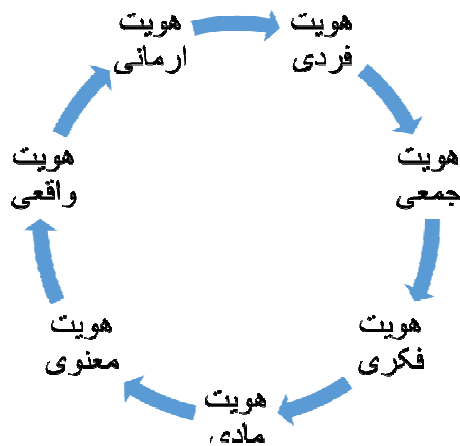
- نظریه اریکسون

اریکسون معتقد است: «فردی که قادر به یافتن ارزش های مثبت پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نیست، ایدآل هایش به هم می ریزد. چنین فردی که از درهم ریختگی هویت رنج می برد، نه می تواند ارزش های گذشته خود را ارزیابی کند و نه صاحب ارزش هایی می شود که به کمک آن ها بتواند آزادانه برای این ده طرح ریزی نماید (شرفی، ۱۳۸۰، ۲۵).

### ۱- هویت ایرانی-اسلامی

جایگاه و نقش قاعده لا ضرر و لا ضرار در اسلام و تأثیر آن بر شکل گیری و باز تعریف معماری و شهرسازی اسلامی و ایرانی، پیوند ناگسستنی با مفهوم هویت و کاربردهای آن در شهر، شهرسازی و معماری شهر دارد. افراد چون شایگان، معتقدند که در افسون زدگی جدید در دوران معاصر، نوعی هویت چهل تکه و تفکر سیار به وجود آمده است که تمامی شئون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد. نقی زاده، معتقد است که یکی از مهم ترین موضوعات مورد توجه انسان که بر همه فعالیت های تأثیر گذاشته و آن ها را جهت می دهد، هویتی است که انسان (فرد و جامعه) برای خویش قائل بوده و میل دارد آن را احراز نماید. نگاهی به تاریخ جوامع نشان می دهد که جملگی حرکت های عظیم در جوامع بشری، به نحوی با این موضوع ارتباط داشته اند. فی المثل، تمام انبیاء و مصلحین در پی معرفی و احراز هویتی خاص برای انسان بوده اند. همین طور جملگی زورمداران و جباران و استعمارگران و مستکبرین تاریخ نیز در صدد بوده اند تا هویتی را برای انسان تعریف نموده و آن را ترویج کنند که به تبع آن، امکان استعمار و استثمار و استحمار جامعه برایشان فراهم گردد. مفهوم هویت، مطلب بسیار مهمی است که در دوره جدید و به وضوح از زمان هگل واقع شده است. بحث هویت در تاریخ، جامعه، سیاست و به طور کلی در علوم انسانی و در بحث های روشنفکران، از هگل و بعد از هگل است (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ۹). علی رغم این بداعت، موضوع هویت انسان و شناخت خویش همواره به عنوان بنیاد تفکرات انسان مطرح بوده است که نمونه بارز آن را در کلام معروف ارسطو یعنی خود را بشناس. در شعار کانت یعنی من می اندیشم پس هستم و در رأس، آن ها، در حدیث معروف من عرف نفسه فقد عرف ربه می توان مشاهده نمود. هویت انسان، از منظر متالین بر بنیاد خلافت الهی انسان استوار شده است. در مقابل این هویت در دوران معاصر، هویت انسان بر پایه جایگزین شدن انسان به جای خداوند در زمین شکل گرفته است. این صیغه از هویت، به دلیل عدم سازگاری اش با فطرت انسان، خود عمل بروز بحران هویت در انسان است. (سلام زاده، وزیری، ۱۳۹۵: ۲).

### ۲- انواع هویت



شکل ۱: انواع هویت (سلام زاده و وزیری، ۱۳۹۵).

### ۳- اهمیت مراتب هویتی

هویت فردی: هویت فردی اولین وجه هویت است. این هویت، با شکل، نام، باورها و سایر ویژگی‌های روانی و ظاهری و عناوین تعریف می‌شود. این وجه از هویت، با هویت جمع ارتباطی تنگاتنگ دارد به طوری که با هویت جمعی، هویت فردی نیز معنا پیدا می‌کند.

هویت جمعی: از مهم‌ترین وجوه هویت است که به هویت اجتماعی نیز تعبیر می‌شود. هویت اجتماعی (جامعه، ملت) با توجه به باورها، مشترکات تاریخی، اهلیت و تعلق به مکان، ارمان‌ها، نژاد، فرهنگ و دین تعریف می‌شود.

هویت فکری و روانی: مقولات مرتبط با جنبه غیرمادی حیات بر شکل کالبدی و مادی آن تأثیر دارد و یا به عبارتی، شکل ظاهری شیوه زیست مادی، تجلی کالبدی ارزش‌ها و اصول مورد اعتقاد و باور انسان هستند. محیط، از آن جهت که تجلی کالبدی باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است. می‌تواند در ایجاد احساس هویت و یا بی‌هویتی، و به تبع آن از خودبیگانگی در جامعه ایفای نقش نماید.

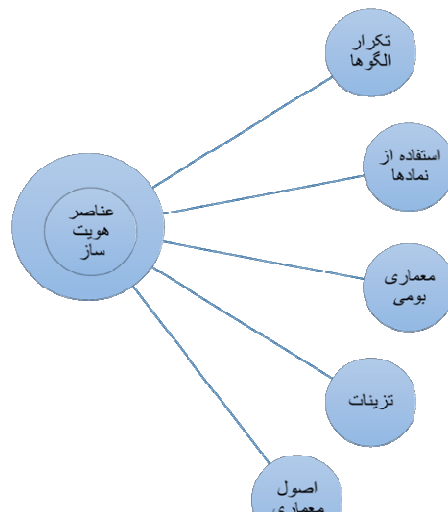
هویت مادی: هویت مادی به ظاهر مادی فرد و جامعه مربوط بوده و به آن دسته از علائم و مشخصات و تمایزاتی برمی‌گردد که با ساخت مادی زندگی ارتباط دارند.

هویت معنوی: هویت معنوی، مرتبه‌ای از هویت است که علاوه بر اشاره به وجوه معنوی و باورها و اعتقادات، مشتمل بر معانی مستفاد از آثار و ساخته‌ها و فرآورده‌های انسان نیز می‌باشد. این مقوله از هویت شامل اصول و ارزش‌ها مورد باور جامعه که در شکل ظاهر زندگی مادی آن‌ها تجلی می‌یابند نیز برمی‌گردد.

هویت عینی (واقعی): یکی از بارزترین وجود هویت انسان، هویت عینی یا هویت واقعی است. این هویت، عبارت از هویتی است که انسان (فرد یا جامعه) چه بخواهد و چه نخواهد به آن شناخته می‌شود. این هویت برآیند هویت فردی انسان و هویت ملی وی به همراه هویت فکری و روانی و معنوی اوست.

هویت آرمانی: هویت آرمانی یا هویت ذهنی، هویتی است که انسان بنا به دلایل مختلف میل دارد به آن شناخته شود. (سلام زاده، وزیری، ۱۳۹۵، ۴).

### ۴- عناصر هویت



شکل ۲: عناصر هویت‌ساز

### پیشینه تحقیق

دکتر ابودر خسروی و حسین امیر عضدی در مقاله‌ای تحت عنوان جایگاه مساجد به‌عنوان فضای شهری ایرانی - اسلامی به این نتیجه رسیدند که مسجد در فرهنگ ایرانی - اسلامی علاوه بر داشتن ویژگی‌های یک فضای شهری به‌عنوان یک فضای

تأثیرگذار و پیونددهنده اجتماعی، قابلیت ایجاد تشکیلات اجتماعی و جامعه مدنی را در خود دارد (خسروی و امیر عسدی، ۱۴۰۰)

محمد ناجی و محیا قوچانی در تحقیقی تحت عنوان تبیین نقش فرهنگی مسجد در توسعه هویت اسلامی و ارتقای پایداری اجتماعی محله به این نتیجه رسیدن که باید مساجد از دیدگاه کلی نگرانه و عملکردی در ساختار شهرها در نظر گرفته شود و فعالیت‌های متنوع و در خور شخصیت مسجد در آن جریان داشته باشد تا با جذب گروه‌های مختلف اجتماعی باعث اجتماع‌پذیری مساجد شود (تاجی و قوچانی، ۱۳۹۹).

جواد اکبری و فاطمه قاسمی در مقاله‌ای تحت عنوان جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری پی بردند که توجه به کالبد، جانمایی و نحوه چیدمان فضاها و سایر عناصر شهری در کنار مباحث فرهنگی و معنوی که از وظایف طراحان شهری است از جمله مواردی است که موجب ارتقا هویت مساجد در فضای شهری می‌شود (اکبری و قاسمی، ۱۴۰۲).

حدیث پرهیزگاری و همکاران در مقاله نقش مسجد در ایجاد هویت ایرانی-اسلامی، مسجد ضمن هویت بخشیدن به شهر ایرانی-اسلامی، تعریف شهر را کامل می‌سازد و به تبع نماز که هویت مسلمانی و به تعبیری پرچم اسلام است، مکان‌نما یعنی مسجد نیز هویت شهر اسلامی است (پرهیزگاری و همکاران، ۱۳۹۲).

حامد قادر مرزی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیلی بر نقش مساجد در شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی شهرها، یکی از مهم‌ترین عوامل که با کالبد و ساختار خود باعث شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی در شهرها و یا تقویت آن می‌شود مساجد با کارکردهایشان هست حتی می‌توان از آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای هویت‌یابی استفاده کرد (قادر مرزی و همکاران، ۱۳۹۲)

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است و از منظر هدف، از نوع کاربردی است. برای گردآوری اطلاعات از روش مطالعات کتابخانه‌ای در زمینه جمع‌آوری مبانی نظری، اسناد و رویکردها استفاده شده است.

## شهر ایرانی-اسلامی

### ۱- معنا و مفهوم شهر ایرانی-اسلامی

از آنجایی که شهر مجموعه‌ای زنده از کلیه اموری است که در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با زندگی ساکنان آن است، لذا باید همه جوانب فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی، سیاسی، زمانی، مکانی و تاریخی شهر توأمان مورد توجه قرار گیرند. از طرفی در شهر ایرانی-اسلامی این ویژگی‌ها باید در زمینه و بستر ایرانی و بر پایه تعالیم اسلامی و فرهنگی در جامعه اسلامی تبیین شوند. (بمیان، ۱۳۹۳، ۹). شهر ایرانی-اسلامی متشکل از مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شود و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوعی) و یا سایر هموعان خویش حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهد شد و در بردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی‌اند (که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند) اجمالاً باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آن‌ها قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) است (بمیان، ۱۳۹۳، ۹). محور قرار دادن انسان مهم‌ترین ارتباطات او را با عرصه‌های دیگر هستی در چهار مورد زیر برمی‌شمرد:

ارتباط با خدا

ارتباط با خود

ارتباط انسان با جهان هستی

ارتباط انسان باهم نوعان خود (علامه جعفری، ۱۳۷۸)

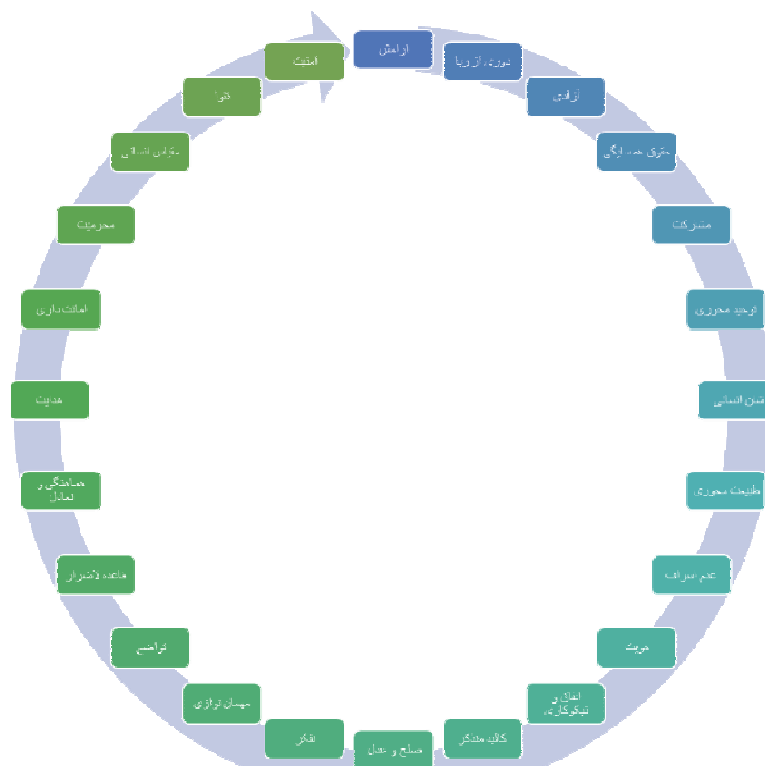
این ارتباطات چهارگانه از سوی ایت الله جوادی آملی تأکید شده است (بمانیان، ۱۳۹۳، ۹) به نظر می‌رسد مسئله تاریخ در دسته‌بندی این دو اندیشه در درون دو مورد آخر قرار گرفته است. تاریخ، ساخته مشترک جهان هستی و هم‌نوعان انسان است. در رابطه با شهر ایرانی-اسلامی می‌توان این‌گونه بیان نمود: وقتی می‌توان صفت اسلامی را به شهر به‌عنوان یک شی انسان ساخته اطلاق نمود که آن شی بر اساس تعالیم اسلامی به وجود آمده و به گونه‌ای در خدمت انسان قرار گرفته باشد و در عین پاسخگویی به نیازهای مادی او، وی را به سمت ارزش‌های اسلامی هدایت نماید. بیان ایرانی برای شهر نیز مصداق مکانی موضوع را نشان می‌دهد. از طرفی نیز اسلامی بودن برای شهر نشانگر این است که این مکان باید تجلی‌گاه و یادآور ارزش‌های اسلامی نیز باشد. در قرآن مبین برای شهر به صفات مناسب زیستی اشاره می‌شود و در حقیقت شهر اسلامی با نیازهای انسان و نوع جهان‌بینی او تطبیق و همساز دارد. طبیعی است که در این فضای زندگی نیز باید با روش زیستی که اسلام تعریف می‌نماید هماهنگ باشد. ایرانی بودن نیز سابقه و پیشینه غنی و پرمحتوایی از تجربیات هوشمند ایرانیان را با خود به همراه داشته است. (محمدرضا بمانیان، ۱۳۹۳، ۹ تا ۱۰).

۲- ارتباط بیانات مقام معظم رهبری با شهر اسلامی (آیتم، ۱۶، ۱۴۰۰)

تاریخ سخنرانی	متن	ارتباط با شهر اسلامی
۱۳۷۱/۰۵/۲۱	در دوران اول انقلاب، شما نگران دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خلقیات خودشان احساس کردند. گذشت در بین مردم زیاد شده، از طمع کم شده، همکاری زیاد شده، گرایش به دین زیاد شده، اسراف کم شد، قناعت زیاد شد، جوان به فکر فعالیت و کارافتاد و دنبال تلاش رفت، خیلی‌ها که به شهرنشینی عادت کرده بودند به روستاها رفتند و شبه کارهایی که به صورت گیاه هرزی در زندگی اقتصادی مردم رشد پیدا کرده بود کم شد	اقتصاد بر اساس اصول اسلامی-سبک زندگی اسلامی-وحدت و مشارکت بین مردم-سرمایه‌های اجتماعی
۱۳۸۲/۰۹/۱۷	خیلی از مشکلات ما ناشی از دور شدن از فضا یا اخلاقی است.	اخلاق اسلامی
۱۳۸۲/۰۹/۲۵	ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی میان همه مردم تقسیم شود. این آرزوی بزرگ ماست و برای آن تلاش و مبارزه می‌کنیم.	عدالت در شهر-اقتصاد اسلامی
۱۳۸۲/۰۶/۲۵	تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدف‌های اسلامی است	اقتصاد اسلامی
۱۳۸۳/۰۹/۱۱	هویت حقیقی جامعه، هویت اخلاقی آن‌ها است یعنی در واقع سازه اصلی برای یک اجتماع، شاکله اخلاقی آن جامعه است و همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد	اخلاق محوری
۱۳۸۴/۰۳/۲۵	همه ارزشهای معنوی را می‌توان از درون کانون گرم خانواده بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.	خانواده محوری هسته مرکزی شهر اسلامی
۱۳۸۸/۰۴/۲۹	هر هدفی را که این ملت بخواهد به آن برسد، در سایه آرامش و امنیت خواهد رسید	آرامش و کمال شهر اسلامی-امنیت در شهر
۱۳۸۹/۰۱/۰۱	اساس حکومت اسلامی و شاخص عمده این حکومت عبارت است از استقرار ایمان، ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیا و سلوک در صراط مستقیمی که انبیا الهی در مقابل پای مردم قرار دادند	خدا باوری-توحید
۱۳۹۳/۰۹/۰۶	من دعوت می‌کنم بسیجیان را به اخلاق، اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاکدامنی، بسیجی‌ها برای اینکه اجزای این بنای استوار همچنان مستحکم بمانند به این احتیاج دارد	اخلاق اسلامی در تک تک افراد شهر و جامعه اسلامی-خدا باوری
۱۳۹۵/۰۳/۱۴	استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی-ایرانی انتخاب کنیم. سبک زندگی از معماری، از زندگی شهری، از زیست انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه مسائل گوناگون را شامل می‌شود. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه مقابل استقلال فرهنگی است.	سبک زندگی اسلامی-ایرانی معماری و شهرسازی اسلامی
۱۳۹۸/۱۱/۲۶	دشمن متأسفانه با استفاده از ضعف و خیانت سران وابسته نظام‌های اسلامی، از جمله در کشور ما در طول مهر و موم‌های پیش از انقلاب توانسته سبک زندگی خودش را رایج کند. ما اگر بی‌مبالاتی مشاهده می‌کنیم، این به خاطر دور افتادن از اخلاق اسلامی و از سبک زندگی اسلامی است.	سبک زندگی اسلامی-عدالت محوری-آگاهی-ارزش‌های فرهنگی غالب در شهر اسلامی
۱۳۹۹/۱۲/۰۱	نگاه به هنر اسلامی و سینمای دینی باید نگاهی بلند مدت و همراه با برنامه ریزی دقیق و امید به آینده و بهره‌گیری مناسب از ابزار هنر برای تأثیر گذاری حداکثری باشد	هنر اسلامی-نگاه به آینده

### ۳- ویژگی های شهر اسلامی از منظر منابع دینی و اعتقادی نمود یافته در مطالعه محققان و

پژوهشگران (آی‌شم، ۱۴۰۰، ۱۰).



شکل ۳: ویژگی های شهرهای اسلامی (آی‌شم، ۱۴۰۰: ۴).

#### جایگاه مسجد در سیمای شهر

جنبه‌ی دیگر کارکرد مسجد توجه به فضای کالبدی شهری و کارکرد معماری آن است. معماری مسجد یک معماری پررمز و راز و در یک نگاه کلی، نماد اندیشه‌ی توحیدی و واسطه‌ی عالم علوی با عالم سفلی است. از دیگر سو، پیامبر صلی الله علیه و آله اولین اقدام خود را برای برپا ساختن یک جامعه‌ی نوین و الگو، با فعالیت معماری شروع نمود و این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده‌ی اهمیت و نقش فضاهای کالبدی شهری در یک جامعه‌ی آرمانی باشد (جوان آراسته، ۱۳۸۶: ۱۳۸). بدین ترتیب، مسجد به‌عنوان نخستین فضای کالبدی شهری در جامعه‌ی اسلامی، جای ویژه‌ی خود را باز کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله شهر یثرب را تأسیس نکرد، ولی ساختن جامعه‌ی نو در این شهر را از بنا نهادن مسجد آغاز کرد. بعدها مسلمانان ساختن شهرهای جدید مانند کوفه، بصره و قاهره را با ساختن مسجد آغاز کردند. در این شهرها ابتدا مکان و محل مسجد مشخص می‌شد و سپس با محور قرار دادن آن، محله‌ها و خیابان‌ها و بازار و مانند آن شکل می‌گرفت. این اقدام نمادین، جوهره‌ی عبودی شهر و جامعه و حکومت در اندیشه‌ی اسلامی را به‌خوبی نشان می‌دهد. محوریت مسجد در معماری و شهرسازی و نیز چرخه‌ی امور شهر، به‌مثابه‌ی یک قطب فرهنگ‌ساز و سهولت دسترسی مردم به مسجد و کثرت نسبی مساجد در محله‌ها در گذشته‌ی تاریخی جوامع اسلامی، از دیگر ابعاد جایگاه مسجد در فضای کالبدی شهری است. تبدیل به دو قطب شدن مسجد و مدرسه در میان عناصر سازنده‌ی شهر در گذشته‌ی تمدن اسلامی که بار اصلی فرهنگ‌سازی را بر دوش داشته‌اند، تجسم جایگاه عبادت و علم به‌مثابه‌ی دو بال تعالی انسان‌ها در تفکر دینی است؛ یعنی اگر عبادت و علم را دو عامل اصلی برای تعالی و سعادت انسان‌ها و جوامع بشری بدانیم، شهرهای اسلامی از منظر فرهنگی، بر پایه‌ی این دو عنصر قوام داشت و این دو قطب فرهنگی و فرهنگ‌ساز در یک تجربه‌ی موفق، بنیاد و اساس اغلب فعالیت‌های فرهنگی شهرها با جهت‌گیری الهی بوده است. (الویری، ۱۳۸۶: ۱۰۱). واضح است

که مسجد به‌عنوان محور و عضوی از مجموع عناصر اصلی شهر، همواره مورد توجه مسلمانان بوده است و انتخاب عملکرد فضاهای همجوار آن نیز با دقت خاص و در یک سلسله‌مراتب منطقی هویتی انجام گرفته است که حافظ جایگاه مسجد در خاطر مردمان شهر بوده است. مساجد برحسب عملکردشان و نقشی که در حیات شهر ایفا می‌کرده‌اند، به انحای مختلف در شهر جای می‌گرفتند. مساجدی که در ارتباط مستقیم با حکومت و محل انجام مراسم دینی پادشاهان بودند، در مرکز ثقل شهر و در مجاورت قصر سلطنتی و در کنار میدان اصلی و مرکزی شهر قرار می‌گرفتند. برخی از مساجدی که در پیرامون ستون فقرات اصلی شهرها قرار می‌گرفتند، علاوه بر انجام فریضه‌ی نماز، محل اجتماع و فعالیت‌های دیگر اجتماعی بودند. مساجدی که در ابعاد کوچک و اغلب فاقد فضای باز بودند، در بدنه‌ی بازار و ستون فقرات شالوده‌ای شهر قرار داشتند و صرفاً محلی برای ادای فریضه‌ی نماز کسبه‌ی راسته یا گذرهای مجاور بودند. (دوپولو، ۱۳۷۶: ۴۲). مساجدی که در مرکز محلات و در مجاورت راسته‌های اصلی قرار داشتند، نقش مرکز فعالیت‌ها را در سطح محله ایفا می‌کردند. غالباً در کنار این مساجد حمام و بازارچه‌ای نیز ایجاد می‌شد که عواید آن وقف مسجد می‌گردید و به این ترتیب، امور مسجد اداره می‌شد. مساجد کوچکی که به‌صورت پراکنده در محلات مختلف ساخته شده بودند، به‌عنوان محلی برای ادای فریضه‌ی نماز و عبادات اهالی و ساکنان محلات بودند (دوپولو، ۱۳۷۶: ۴۲). با توجه به این تقسیم‌بندی، آشکار است که سازمان‌دهی و ساختار فضایی شهر و به تبع آن، شکل‌گیری سیمای مرکز شهر اسلامی و در قیاس کوچک‌تر، مرکز محلات شهری تا حد بسیاری متأثر از مکان استقرار مسجد بوده است. نقش مساجد در ساختار شهرها آن‌چنان پررنگ است که مساجد در سیمای عمومی شهرها نقشی هدایت‌گرانه پیدا کرده‌اند؛ به طوری که شهروندان با مشاهده‌ی مسجد از دور، آگاهی می‌یافتند که در چه موقعیتی از شهر یا محله قرار گرفته‌اند و با توجه به سلسله‌مراتب مشخص در اطراف مسجد، به درستی رفع نیاز می‌کردند (سقاپور، ۱۳۸۶: ۲۲). مساجد معاصر و نقش آن‌ها در سیمای شهر همان‌گونه که ذکر شد، مساجد جدای از آنکه مکانی برای عبادت مسلمان هستند، کلیه‌ی امور مسلمین را، از جمله امور سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی پوشش می‌دهند. همین موضوع باعث شده بود که در گذشته، مرکزیت مسجد به‌عنوان مرکز اصلی شهرها همواره حفظ شود؛ اما متأسفانه در دوران معاصر، در شکل یابی شهرها، این نقش محوری برای مساجد در نظر گرفته نشده است و تا حد زیادی نقش محوری مساجد نادیده گرفته شده است و دیگر طرح‌ریزی ترکیب سیمای مسجد و نیز انتخاب عملکردهای مجاور مسجد که در ایفای نقش صحیح مسجد در سیمای شهر اسلامی اهمیت به سزایی دارند، با اندیشه و منطق نیست و دیگر ساختار کالبدی و سیمای بصری مساجد ما هماهنگ با هویت حاکم بر جامعه‌ی اسلامی مان نیست. در احداث فضای مساجد، مواردی چون سلسله‌مراتب ورود به مسجد، استفاده از عناصر و اجزای هویت‌بخش خلق فضایی آرام جهت عبادت و... نادیده گرفته می‌شود و مسجد صرفاً با تابلوی ورودی آن قابل تمایز از فضاهای مجاور خود است. ابنیه‌ی مجاور مساجد نیز هیچ‌گونه سختی با فضای روحانی و سیمای اصیل آن ندارند. به همین صورت مشاهده می‌گردد که کالبد و سیمای مسجد هیچ‌گونه جذبه‌ی بصری برای اهالی شهر ایجاد نمی‌کند و همین موضوع از جمله مهم‌ترین دلایل تضعیف ارتباط اهالی شهر با مساجد به شمار می‌رود و این موضوع غیرقابل اغماض است، زیرا مساجد کانون حرکت‌های انقلابی نیز بوده‌اند و منشأ بسیاری از حرکت‌های اسلامی، هم چون انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، محسوب می‌شوند. (سقاپور و نصر، ۱۳۸۷: ۲۳). پس بر مردم و نهادهای تصمیم‌گیر و تأثیرگذار واجب است که حداکثر تلاش خود را به کارگیرند تا بتوانند جایگاه مسجد را در زندگی و بافت‌های شهری حفظ کنند. برای این منظور می‌توان اقداماتی را انجام داد، از جمله اینکه برنامه ریزان و طراحان شهری باید حداکثر تلاش خود را بنمایند تا ساختار فضایی شهرهای جدید ما بر اساس فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی شکل گیرد و مسجد نقش محوری در طراحی شهرها داشته باشد. از دیگر سو، باید برنامه‌ریزی‌هایی در جهت استقرار کاربری‌های پیرامون مسجد صورت پذیرد، به نحوی که کاربری‌های مجاور، متناسب با نقش و کارکردهای مساجد باشد. (پرهیزگاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸-۹). علاوه بر این، طراحی مساجد باید با توجه به نیازهای شهروندان در دنیای معاصر صورت پذیرد و خلاقیت و ایده پردازی‌های

دنیای معاصر را هم در برداشته باشد و همسو و همگام با فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی باشد و بتواند روح سکون و آرامش و معنویت را به نمازگزاران القا کند. البته این ابداعات جدید نباید چهره‌ی مساجد را از لحاظ بصری مخدوش نماید یا با دید و هویت شهروندان مسلمان در تضاد باشد. برای موفقیت در این عرصه، در طراحی و ترکیب نماهای مساجد باید از هنرهای اصیل اسلامی و بومی استفاده نمود و از ابداعات غیراصولی و یک‌سو خودداری نمود. (الویری، ۱۳۸۶: ۱۰۱). همان‌گونه که گفته شد، طراحی مساجد باید با توجه به نیازهای شهروندان در دنیای معاصر صورت پذیرد و از دیگر سو، باید کارکردهای اصلی و گذشته نیز به مساجد برگردانده شود. پس باید در طراحی مساجد فضاهایی را برای اختصاص دادن به کانون‌های علمی و فرهنگی و کتابخانه‌ها در نظر گرفت و از دیگر سو، باید قسمتی از مساجد برای حل مشکلات اجتماعی شهروندان و حل و فصل امور نمازگزاران اختصاص یابد. همچنین تا حد ممکن در طراحی مساجد یا حداقل مساجد جامع شهرها، با همکاری نهادهای دیگر، کلینیک‌هایی برای ارائه‌ی خدمات پزشکی در نظر گرفته شود (سقاپورو نصر، ۱۳۸۷: ۲۳).

### مسجد: هویت کالبدی شهر

هنگامی که پای غریبان به کشورها و شهرهای مسلمانان گشوده شد و متوجه وجوه تمایز آن‌ها با شهرهای موطن خویش شدند. به دلیل مسلمان بودن ساکنان آن‌ها این شهرها را شهر اسلامی نامیدند. با ورود و نفوذ و تکرار الگوهای بیگانه در معماری و شهرسازی به ممالک اسلامی، این هویت به مرور کمرنگ و کمرنگ‌تر شد، تا جایی که امروزه شهرهای مسلمانان تکرار و تقلیدی از شهرهای غربی هستند. با این حال دوباره و نیز البته با برنامه و طراحی اندیشیده، می‌توان هویت شهرهای مسلمانان را به آن‌ها بازگرداند و چه بهتر که این احراز هویت و بازگشت به خویش و مقابله از خودبیگانگی از مساجد آغاز شود، که تنها عامل هویتی بازمانده از گذشته نیز هستند و باید دانست که امروزه تجدید هویت به هر چیزی که به مسلمانان تعلق دارد بسیار مهم‌تر و حیاتی‌تر از گذشته است. چرا باید همچون شهرهای فرنگیان، هویت شهرهای مسلمانان نیز آسمان‌خراشی باشد که خود را بر انسان تحمیل کند و البته نشانه تمدن غرب نیز هست؟ یا برجی که بر بیهودگی خویش فریاد می‌زند؟ یا بزرگ راهایی که کالبد شهر را از هم دریده، محلات و مناطق شهری را به جزایری مبدل کرده‌اند که در ماشین و سرعت و آسفالت محاط شده‌اند، و ارتباطی با یکدیگر ندارند؟ چرا آرم و نشانه هر شهرمان مسجدی خاص نباشد؟ و بسیاری سؤالات دیگر (نقی زاده، ۱۳۹۵: ۷۲). یکی از اصلی‌ترین عناصر تاریخی و هویتی شهرهای ایرانی-اسلامی، مساجد آن‌هاست که لزوماً حضورشان در متن حیات و زندگی و همین‌طور پایداری آن‌ها، متناسب با پایداری ایمان مسلمانان است، در توضیح مطلب و در بیان اهمیت نقش مسجد در پایداری و هویت شهرهای مسلمانان، اشاره به یک سخن از پیامبر اکرم کفایت می‌کند. بنا به فرموده نبی مکرم اسلام، نماز پرچم اسلام است. مسجد نیز می‌تواند (و باید) پرچم و هویت کالبدی شهر اسلامی و شهر مسلمانان باشد. به عبارت دیگر، مسجد به‌عنوان عامل پایداری هویت کالبدی مقیاس‌های مختلف مجتمع‌های زیستی مسلمانان و اجزاء و محدوده‌های مختلف آن‌ها (و از جمله مجلات آن‌ها) ایفای نقش می‌کند و به همین دلیل است که باید نقش پایدار آن در حیات جمعی مسلمان آن روزآمد باشد. (نقی زاده، ۱۳۹۵: ۷۳)

به‌عنوان موضوع بدیهی، قائل ذکر است که: شهر با ساکنانش هماهنگ و متناسب است. ما خودمان را از شهر و شهر را از خودمان جدا ندانیم. ما آدمیان همواره عالمی داریم و در عالم خود کسی هستیم. تغییر وجود ما با تغییر عالم همزمان است. شهر آینه وجودمان و نظم و نظام آن مظهر سامان و بی‌سامانی روح و فکر ماست (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ۱۰). به این ترتیب، هویت هر شهری هویت فکری، فرهنگی، تکنیکی و شیوه زیست اهل خویش است. توجه کنیم که هویت کالبدی شهر اسلامی یا شهر مسلمانان باید مسجد باشد تا نشانه آزادگی، عزت، معنویت و عبودیت آنان شود؛ و نخواهیم که مسلمانان هویت دیگری را برای خود و برای شهرشان برگزینند. همچنان که هویت شهر دوران مدرن، بانک‌ها و بنگاه‌های تجاری و هتل‌ها و رستوران‌های گردان و برج‌ها و قمارخانه‌ها و فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت هستند. (نقی زاده، ۱۳۹۵: ۷۸). مسجد به‌عنوان بااهمیت‌ترین فضای معماری اسلامی نیز همواره نقش بسیار پررنگی را در شکل‌گیری و روند توسعه‌ی شهرها بر عهده داشته است و جایگاه

رفیعی را در حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی، جدای از حوزه‌ی شهرسازی پیدا کرده است؛ تا آنجا که در شکل‌گیری شهرهای جهان اسلام، به‌ویژه ایران، همواره نقش محوری بازی می‌کرد و بافت‌های شهری، حول آن‌ها نقش می‌بستند؛ اما امروزه مساجد ما برخلاف گذشته، نتوانسته‌اند با معماری زمان و عصر خود در هم بیامیزند و از لحاظ فرمی و عملکرد ظاهری، همسو و همگام با نیازهای معاصر شوند. از دیگر سو، سیمای کلی شهرهای ما نیز تا حد زیادی عاری از مفاهیم اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی شده است و حضور مساجد در شهرها، به‌عنوان مهم‌ترین عنصر ساختار شهر، بسیار کم‌رنگ شده است و نقش آن در سازمان‌دهی فضای شهرهای اسلامی نادیده گرفته شده است. (خالدیان، ۱۳۹۲: ۱).

### ارتباط منطقی مسجد با سایر عناصر اصلی شهر

در صدر اسلام (در مدینه منوره)، فعالیت‌های عمده اجتماعی در مسجد انجام می‌شد و مسجد به‌عنوان مرکز عبادی، سیاسی، آموزشی، قضایی، نظامی و حتی اسکان برخی از مهاجرین (هضحای صفة) عمل می‌کرد. پس از آن، اگرچه بسیاری از عملکردها و فعالیت‌های اجتماعی از مسجد خارج و از آن جدا شدند، اما ارتباط و همجواری و نزدیکی آن‌ها با مسجد حفظ شد و نکته اساسی در بهره‌گیری از آثار و رویه‌های تاریخی نیز همین ارتباط و هم‌جواری است. مساجد جامع در ارتباط با مرکز حکومت، بازار، مدارس و کاروان‌سراها بودند و مساجد محله‌ای نیز در کنار گذرهای اصلی و در ارتباط با میدان، بازارچه و حسینیه و تکیه و آب انبار و حمام محله بنا می‌شدند. (نقی زاده، ۱۳۹۵: ۷۵). امروزه اوضاع کاملاً دگرگون شده است. مساجد معمولاً به‌صورت منفک از سایر عملکردهای شهری در کنار معبری قرار گرفته‌اند و نسبت به سایر فعالیت‌ها، مرکزیت و تسلطی را القا نمی‌کنند. پس از ظهور انقلاب اسلامی، مساجد تا حدودی نه‌چندان مطلوب نقش اصلی خویش را در رابطه با برخی فعالیت‌های اجتماعی بازیافتند. گرچه طی مدت کوتاهی قسمتی از فضای مساجد به محل صدور حواله انواع کالاها تبدیل شده بود، اما انجام بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی دیگر (از قبیل پایگاه بسیج، کتابخانه، کلاس‌های درس، صندوق‌های قرض‌الحسنه، شعرخوانی و حتی دارالشفای مراکز درمانی) در آن‌ها سبب شده تا مساجد به سمت ایفای نقش خویش آن‌گونه که در خور آن‌هاست گام بردارند. اما تا بهترین حالت یعنی ارتباط مساجد با فعالیت‌های اداری، حکومتی [آموزشی، فرهنگی، قضایی، علمی، تجاری، مسکونی و سایر فعالیت‌ها جاری در شهر راه درازی در پیش است. (نقی زاده، ۱۳۹۵: ۷۵ تا ۷۶).

### توجه به نقش مسجد در سیما و هویت بخشی به شهر

هر شی، هر موضوع و هر مفهومی دارای هویت یا نیازمند به احراز هویتی است که این هویت (که در پایین‌ترین مرتبه به‌عنوان وجه تمایز آن با سایر اشیاء و موضوعات و مفاهیم ایفای نقش می‌کند) دارای دو بعد باطنی و ظاهری یا معنوی و مادی است. این دو بعد از هویت مستقل از یکدیگر نبوده و ویژگی‌های هر کدام بر تقویت یا تضعیف مختصات دیگری تأثیر دارند. به تبعیت از این موضوع، آثار و تخلیفات کالبدی و فرهنگ و باورهای یک جامعه نیز مبین و نیازمند هویتی خواهد بود تا توسط آن خود را معرفی نموده و به تعامل و گفتگو با دیگران برخیزد؛ بنابراین تمدن و فرهنگ و بالنتیجه شهر و محل زندگی مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیازمند تجلی و جوه متمایز خویش با آثار سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست. یکی با ارزش‌ترین وجوه هویتی جامعه و شهر اسلامی مسجد است که هم از جنبه هویت ظاهری و کالبدی و هم از جنبه اراکی. هویت معنوی ایفای نقشی بنیادین را عهده‌دار است. علاوه بر آن مسجد، در عین حالی که عامل هویت‌بخش شهر است، برای اهل شهر نیز از طرفی ظهور در آثارشان به‌عنوان یک عنصر هویتی ایفای نقش می‌کند. (نقی زاده، ۱۳۹۵: ۸۲ تا ۸۳). به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که مسلمانان نیز به احراز هویت شهر و محیط زندگی و متعلقات خویش تمایل داشته باشند. این هویت، یا به عباراتی مؤلفه‌های هویتی محیط زندگی را در بسیاری عناصر می‌توان جستجو کرد که یکی از بارزترین وجوه آن، اجزای و عناصر شهر و محیط زندگی می‌باشند. در شهر مسلمانان یکی از اصلی‌ترین این عناصر مسجد است که در بردارنده غالب عناصر مورد نظر می‌باشد. در واقع، با معرفی مسجد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بارز هویتی شهر و محل زندگی مسلمانان می‌توان به جزئیات و عناصری نیز پرداخت که از ابعاد

روانی، معنوی، مادی، کالبدی و شکلی می‌تواند به‌عنوان عنصر متذکر به هویت شهر و محیط زندگی و بالتبجه هویت جامعه مستقل ایفای نقش نماید. (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۸۳). یکی از موضوعاتی که امروزه به‌عنوان رشته تحصیلی و کاربردی از اهمیت شایان قابل توجهی برخوردار شده است موضوع منظر شهر است. با مروری بر عناصر و ویژگی‌ها و تأثیرات منظر و بارزهای هویتی آن می‌توان به جایگاه والایی که مسجد می‌تواند در ظهور منظر شهر اسلامی ایفا نماید پی برد. جایگاهی که در گذشته و در شهرهای تاریخی به نحو احسن ظهور و بروز یافته بود و امروزه به‌شدت مخدوش شده است (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۱۴۱). این شیوه از القا هویت برای شهرهای مسلمانان، در طول تاریخ به‌گونه‌ای ظاهر شد که بسیاری از محققین و حتی جهانگردانی که آشنایی چندانی با تعالیم اسلام و فرهنگ و شیوه زیست مسلمانان نداشته‌اند، در اولین تماس خویش با شهرهای مسلمانان متوجه هویت خاص این شهرها شده و با تکیه بر موارد و عوامل کالبدی (که عموماً بر ویژگی‌های مساجد متمرکز بوده)، شهرهای مسلمانان را شهر گنبد فیروزه‌ای، شهر مناره‌ها و شهر مساجد نامیده‌اند (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۱۴۱ تا ۱۴۲). علاوه بر آن، روش‌های به‌کار گرفته‌شده برای ساخت و معماری مساجد، معانی و ارزش‌های معنوی و الهی را نیز به‌ناظرین و به‌اهل شهر (به‌تناسب جایگاه علمی و معرفتشان) القا می‌نمود. از جمله این‌که شهر در پناه و تحت سیطره معنویت مسجد زندگی می‌کرد. شهر، شهر متواضعی به‌نظر می‌رسید که نمایشگر وحدت جامعه بوده و این وحدت و تواضع در پرتو تعالیم الهی که نماد آن، مسجد بود به‌منصه ظهور می‌رسید. مسجد تلطیف‌کننده و جهت‌دهنده فعالیت‌های ظاهراً مادی و دنیایی مسلمانان بود. مضافاً این‌که محل مسجد، نسبت به عملکردهای همجوار، مکانی اندیشیده و منطقی بود و به‌عنوان مرکز نقل مراجعات مردم در مرکز شهر و مراکز محلات ظاهر می‌شد. این موارد، ویژگی‌های خاص هویتی مساجد در رابطه با شهر بودند، که می‌توان بر آن‌ها بسیاری ویژگی‌های معماری و عملکردی و کالبدی مساجد را نیز افزود که هم هویتی منحصر به‌فرد برای آن‌ها سود و هم این‌که در تقویت و احراز هویت خاص مجتمع‌های زیستی مسلمانان تأثیر درخور توجهی داشتند (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۱۴۲). مسجد و هویت شهری وجود یک کانون مذهبی در هر جامعه‌ای همواره در تمام طول تاریخ جایگاه و نقش ویژه‌ای داشته است. مسجد هم به‌عنوان یک نقطه کانونی در جوامع مسلمان همواره از نقش و کارکرد ویژه‌ای برخوردار بوده است. مساجد کانون حرکت‌های انقلابی نیز بوده‌اند و منشأ بسیاری از حرکت‌های اسلامی، همچون انقلاب شکوهمند اسلامی ایران محسوب می‌شوند. پس مردم و نهادهای تصمیم‌گیر و تأثیرگذار واجب است که حداکثر تلاش خود را به‌کار گیرند تا بتوانند جایگاه مسجد را در زندگی و بافت‌های شهری حفظ کنند. پس مردم و نهادهای تصمیم‌گیر و تأثیرگذار واجب است که حداکثر تلاش خود را به‌کار گیرند تا بتوانند جایگاه مسجد را در زندگی و بافت‌های شهری حفظ کنند (علی‌الحسابی، خیرالدین، سرافراز، ۱۴۰۰، ۱۷). به‌این‌ترتیب، هویت مسجد نیز به‌عنوان مکانی تعریف‌شده که به هویت شهر و از آنجا به هویت اهل شهر منتهی می‌شود، به هویت شکلی و کالبدی محدود و منحصر نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر، اگرچه چه هویت فیزیکی و ظاهری مسجد از اهمیت خاص و درخور برخوردار است، آنچه به تصمیم و تکمیل این هویت کمک می‌کند و در یک جهان‌بینی وحدت‌گرایانه و جامع‌نگر بایستی به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد، عبارت است از توجه درخور به جنبه‌های معنوی هویت است. این جنبه‌های معنوی هویت با ریشه داشتن در مبانی نظری جهان‌بینی و فرهنگ جامعه ویژگی‌هایی را دارا هستند که وجه تمایز بارز شهر و معماری یک تمدن با شهر و معماری سایر تمدن‌ها می‌باشند. در واقع، نحوه نگرش هر جامعه و فرهنگ و تمدن به جهان هستی و ارتباط اجزاء آن با یکدیگر و با انسان و نقش و مقامی که برای انسان و حیات او قائل است انعکاسی در محیط ساخته‌شده خواهد داشت که می‌توان از ویژگی‌های این تجلی به‌عنوان عوامل هویتی جامعه نام برد (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۱۴۴ تا ۱۴۵). اگرچه که این مجال و این موضوعات در پی اثبات یا رد ضوابط و مقررات جاری معماری و شهرسازی (و یا به‌عبارتی ساختمان‌سازی نیست) کشور نیست، اما به این نکته توجه می‌دهد که وضعیت حاضر سیما و کالبد شهرها و رابطه مساجد با مجموعه آن‌ها و نقشی که در هویت شهر ایفا می‌نمایند. جملگی نشأت گرفته از این ضوابط و مقررات، طرح‌ها و برنامه‌ها پایه آن‌ها و همچنین ساخت‌وسازهایی است که به استناد آن‌ها انجام می‌شوند. به‌علاوه با عنایت به

این که قریب به اتفاق دست‌اندرکاران امور شهری و معماری و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی به بحران هویت معماری و شهرها تصریح می‌کنند، لزوماً توجه جدی به بازنگری راهبردها و سیاست‌ها و برنامه‌ها و طرح‌ها بدون تعارفات معمول و جاری احساس می‌شود. بدیهی است که این بازنگری و به تبع آن دگرگونی وضع وجود نیز با بخش‌نامه و دستورالعمل امکان‌پذیر نخواهد بود، بلکه با توجه به زمینه‌هایی هم چون آموزش و سیاست‌گذاری‌های کلان و ملی و اعتقاد به رهروی در راه ایجاد معماری و شهر با هویت اسلامی و ایرانی ضرورت دارد که اگر چنین شد و وحدت رویه‌ای به وجود آمد، نتیجتاً معماری مسجد و به تبع آن نقش آن در شهر و هویتی که احراز آن برای شهر و جامعه از مسجد انتظار می‌رود، نیز در راهی که باید باشد هدایت خواهد شد. (نقی زاده، ۱۳۹۵، ۱۵۰).

### نتیجه‌گیری

هویت و به ویژه هویت آثار انسانی که مبین هویت انسان نیز هست، موضوع مورد توجه امروز بسیاری از دست‌اندرکاران رشته‌های اجتماعی، شهری، هنری، معماری و فرهنگی است. بنابراین شناسایی برخی از ویژگی‌های مسجد مدنظر قرار دارد که توسط آن‌ها بتوان به معرفی و تبیین سازمان فضایی شهرهای مسلمانان اشاره کرد و از آن‌ها به عنوان عامل هویتی شهر و اهل شهر و همچنین به عنوان اصل سازمان دهنده سازمان فضایی مرکز شهر و استخوان‌بندی آن یاد نمود. از صدر اسلام و تا قبل از ورود الگوهای غربی و تکرار و تقلید از آن‌ها، مساجد اولین و شاخص‌ترین عناصر شهرهای اسلامی مسلمانان بودند که نظر تازه واردین را به خود جلب می‌کردند و به عنوان عامل اصلی هویتی این شهرها و جوامع ایفای نقش می‌نمودند. به بیان دیگر، به دلیل اهمیت و جامعیت و تعدد و نوع مکان‌گیری و جایگاه والای این عنصر مقدس در شهرهای مسلمانان و همچنین به دلیل ارتباط و هماهنگی‌اش با سایر عناصر اصلی شهر و همین‌طور به دلیل عملکرد خودش، می‌توان گفت که مساجد از اصلی‌ترین عوامل هویت‌دهنده معنوی و ذهنی و کالبدی همه مجتمع‌های زیستی مسلمانان اعم از شهر و روستا بوده‌اند؛ اما امروزه مساجد ما برخلاف گذشته، نتوانسته‌اند با معماری زمان و عصر خود در هم بیامیزند و از لحاظ فرمی و عملکرد ظاهری، همسو و همگام با نیازهای معاصر شوند. از دیگر سو، سیمای کلی شهرهای ما نیز تا حد زیادی عاری از مفاهیم اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی شده است و حضور مساجد در شهرها، به عنوان مهم‌ترین عنصر ساختار شهر، بسیار کم‌رنگ شده است و نقش آن در سازمان‌دهی فضای شهرهای اسلامی نادیده گرفته شده است.

### پیشنهادها

- شناسایی نقش و شأن دولت و مؤسسات اجرایی (وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها، وزارت کشور و نظام‌مهندسی) در معماری و نقش‌آفرینی مسجد
- توجه به نیازهای جنبی مساجد (پارکینگ‌ها، موقوفه‌ها، فضاهای آموزشی و خدماتی)
- توجه به کالبد، جانمایی و نحوه چیدمان فضاها و سایر عناصر شهری در کنار مباحث فرهنگی و معنوی
- تبیین نقش مردم در طراحی و معماری و ساخت مساجد
- عملکرد مساجد باید علاوه بر وجه بنیادین عبادی، عملکردهای آموزشی و فرهنگی و قضایی و علمی را نیز به نحوی در خویش جای دهند که بیانگر وحدت حیات و عدم جدایی دین از دنیا باشد.
- برگزاری سمینارها، همایش‌ها و سایر تجمعات مشابه علمی و آموزشی و فرهنگی را به گونه‌ای در خود جای دهند که در تمام طول روز و بسیاری از ساعات شب مورد استفاده باشند.
- برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از مشارکت و دخالت دادن مردمان در احداث، تعمیر و اداره مسجد و...

### منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) لغت‌نامه دهخدا.

- ۳) لغت‌نامه عمید.
- ۴) لغت‌نامه معین.
- ۵) آیشم، معصومه (۱۴۰۰)، شاخص‌های شهر اسلامی از منظر آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان.
- ۶) اکبری، جواد و قاسمی، فاطمه (۱۴۰۲)، جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری، دوره ۴، شماره ۱.
- ۷) الویری، محسن، (۱۳۸۶)، مسجد ارتباطات و توسعه‌ی پایدار، نامه‌ی صادق، شماره‌ی ۳۱.
- ۸) بمانیان، محمد رضا، (۱۳۹۳)، معنا و مفهوم شهر ایرانی-اسلامی، مبانی نظرها و مصادق‌ها. شماره یک، تهران.
- ۹) پرهیزگاری، حدیث و مرادی، ابراهیم و نصراللهی، نازنین، (۱۳۹۲)، نقش مسجد در ایجاد هویت ایرانی-اسلامی، اولین همایش ملی معماری، مرمت شهرسازی و محیط‌زیست پایدار، تهران.
- ۱۰) تاجی، محمد و قوچانی، محیا (۱۳۹۹) تبیین نقش فرهنگ مسجد در توسعه هویت اسلامی و ارتقای پایدار اجتماعی محله. شماره پانزدهم.
- ۱۱) جوان آراسته، حسین، (۱۳۸۶)، کارکرد مسجد در حکومت نبوی، سال دوازدهم، شماره اول، تهران.
- ۱۲) خسروی، ابودر و امیر عضدی، حسین (۱۴۰۰)، جایگاه مساجد به‌عنوان شهر ایرانی-اسلامی. دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی.
- ۱۳) خالدیان، ستار (۱۳۹۲)، غفلت از جایگاه کلیدی مسجد در نظام شهرسازی مدرن، گنجینه معارف.
- ۱۴) داوری اردکانی، رضا، (۱۳۸۲)، شهر و ساکنانش، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۷.
- ۱۵) دوپولو، پایا، (۱۳۷۶)، مساجد نخستین در اسلام. مترجم: سید ضیاء‌الدین دهشیری، فصل نامه ۳۳، تهران.
- ۱۶) سقاپور، حمید و نصر، طاهره (۱۳۸۷)، نگاهی به جایگاه مسجد در شهر (نمونه‌ی موردی: مسجد در شهر معاصر شیراز). همایش هفته جهانی مساجد فروغ مسجد.
- سلام زاده، مریم و وزیری، وحید، (۱۳۹۵)، نقش هویت در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و علوم رفتاری.
- ۱۷) شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰)، جوان و بحران هویت، انتشارات سروش.
- ۱۸) شاطریان، رضا، (۱۳۹۰)، تحلیل معماری مسجد ایران. انتشارات نورپردازان.
- ۱۹) علی‌الحسابی، مهران و خیرالدین، رضا و سرافراز، وحید، (۱۴۰۱)، تأثیر جهان‌بینی اسلامی در جایگاه مسجد به‌عنوان فضای شهری و نقش مسجد به‌عنوان یک رکن اساسی در شهر اسلامی در اقتصاد، فرهنگ و امنیت (نمونه موردی: شهر دزفول). سال دوازدهم، شماره ۴.
- ۲۰) قادرمرزی، حامد و چراغی، رامین و مردانی، فرشید (۱۳۹۲)، تحلیلی بر نقش مساجد در شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی شهرها. همایش کنگره پیشگامان پیشرفت، دوره ۴.
- ۲۱) نقی زاده، محمد (۱۳۹۵)، نقش مسجد در حیات شهری مسلمانان. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.